



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistic of Madhoosh Golpayegani's Sonnets

N. Mansouri, M. Chatraei*, A.M. Radmanesh

Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 29 February 2019

Reviewed: 04 April 2019

Revised: 27 April 2019

Accepted: 13 June 2019

KEYWORDS

Madhoosh Golpayegani, sonnet,
Qajar, literary return

*Corresponding Author

✉ M_chatraei@yahoo.com

☎ (+98 31) 42292379

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Madhoosh Golpayegani is one of the unsung poets of the 12th century who has numerous works in poetry and prose. One of his valuable works is the Divan [collection] of poems, which includes his sonnets, odes, fragment poems and quatrains. In this article, the style and content of his sonnets are investigated from intellectual, linguistic and literary aspects. The aim of this study was to achieve the ability of the poet as one of the sonneteers of the literary return period.

METHODOLOGY: this research was conducted in a library method and an authentic manuscript written by the poet himself has been used.

FINDINGS: Madhoosh Golpayegani has proved his ability in writing sonnets and his mastery of literary figures and poetic and artistic elegance is obvious. Choice of meters in his lyrics fits the theme. The verb monorhymes, sometimes interrogative, have added to the richness of his poetry. The flow of verses is the ease of transferring concepts and utilizing appropriate powers from the indicators of poetry. Ramal, hazaj and muzare meters have the highest frequency in his sonnets. From a literary aspect, his sonnet is based more on similes and has also used metaphor, allusion and exaggeration to a considerable extent. From intellectual aspect, the main theme of his sonnet is love and his lover is earthly. In this regard, it has no new words and has generally repeated the theme of the past. In his sonnets, moral, philosophical and mystical interpretations are also referenced, and attention to Khayami's thought can also be seen in the content of his sonnet.

CONCLUSION: Madhoosh Golpayegani has been a powerful sonneteer. Like other poets of his time, he imitated his predecessors and considered their poetry in the selection of themes, rhymes and monorhymes. he has understood the poetic features of the previous sonnets and has been able to reflect their linguistic, literary and intellectual characteristics in his sonnet.

DOI: [10.22034/JSPPP.2020.03.09](https://doi.org/10.22034/JSPPP.2020.03.09)

NUMBER OF REFERENCES



23

NUMBER OF TABLES



0

NUMBER OF FIGURES



0

نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی سبک‌شناسی غزلیات مدهوش گلپایگانی

نوشین منصورپور، مهرداد چترایی*، عطاءمحمد رادمنش

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

زمینه و هدف: مدهوش گلپایگانی یکی از شاعران گمنام قرن دوازدهم است که دارای آثار متعددی در نظم و نثر است. از جمله آثار ارزشمند او دیوان اشعاریست که شامل: غزلیات، قصاید، قطعات و رباعیات اوست. در این مقاله به بررسی سبکی و محتوایی غزلیات او از جنبه‌های فکری، زبانی و ادبی پرداخته شده است. هدف از این بررسی دستیابی به میزان توانایی شاعر به عنوان یکی از غزلسرایان دوره بازگشت ادبی بوده است.

روش مطالعه: این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده، و از نسخه خطی معتبری به خط شاعر استفاده شده است.

یافته‌ها: مدهوش گلپایگانی در سرایش غزل توانمندی خود را به اثبات رسانده، و تسلط او بر صناعات ادبی و ظرافتهای شعری و هنری آشکار است. انتخاب وزن در اشعار او متناسب با موضوع است. ردیفهای فعلی که گاه پرسشی نیز هستند به غنای شعر او افزوده است. سلیس و روان بودن ابیات، سهولت در انتقال مفاهیم و بهره‌گیری از قوافی مناسب از شاخصه‌های شعر اوست. بحر رمل، هزج، و مضارع بیشترین بسامد را در غزلیاتش دارند. از جنبه ادبی، غزل او بیشتر بر تشبیه استوار است و از استعاره و تلمیح و اغراق نیز به حد قابل توجهی بهره گرفته است. از لحاظ فکری نیز درون مایه اصلی غزل او عشق است و معشوق او زمینی است. از این جنبه حرف تازه‌ای ندارد و عموماً مضامین گذشتگان را تکرار کرده است. در غزلیات او به تعبیرات اخلاقی، فلسفی، عرفانی، نیز اشاراتی شده است و توجه به اندیشه خیامی نیز در محتوای غزل او دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری: مدهوش گلپایگانی غزلسرایی توانمند بوده است. او همچون دیگر شعرای همعصرش به تقلید از متقدمان پرداخته، و در انتخاب مضامین و قافیه و ردیف به شعر آنها نظر داشته است. و به خوبی مختصات شعری غزلسرایان پیشین را شناخته و توانسته است ویژگیهای ادبی، زبانی و فکری آنان را در غزل خود منعکس نماید.

تاریخ دریافت: ۱۰ اسفند ۱۳۹۷
تاریخ داوری: ۱۵ فروردین ۱۳۹۸
تاریخ اصلاح: ۷ اردیبهشت ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۲۳ خرداد ۱۳۹۸

کلمات کلیدی:

مدهوش گلپایگانی، غزل، قاجار، بازگشت ادبی.

* نویسنده مسئول:

✉ M_chatraei@yahoo.com

📞 ۴۲۲۹۲۳۷۹ (۰۹۸ ۳۱)

مقدمه

شعر دوره بازگشت همواره با نقد و نظراتی متفاوت مواجه بوده است. اخوان ثالث از دوره بازگشت ادبی به کودتا تعبیر میکنند و مینویسد: «نهضت بازگشت فقط به سان کودتایی بود برای ساقط کردن سلطنت انحصاری دودمان سبک هندی، که همه از آن به تنگ آمده بودند» (آرین پور، ۱۳۷۹) و یا شفیعی کدکنی شاعران این دوره را چهره مسخ شده و کاریکاتور متقدمین خوانده است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰) اما شمیسا پس از پذیرش معایب و اشکالات شعر این دوره مینویسد: «شعر بازگشت نمیتواند از جاذبه و نثار تحسینهای قلبی به دور باشد. دست کم اینکه گویی دوره سبک خراسانی دو برابر شده است، امثال فرخی، عمری درازتر یافته اند، گویی دیوان همزاد انوری نیز به دست آمده است و چه فرق میکند که شعر فرخی را میخوانم یا سروش را ... لحظات بسیاری است که شعر سروش و داوری و محمود خان صبا و شبیانی با شعر عنصری و فرخی و مسعود سعد به دور از شائبه ها یکی میشود و پارسی شناس بر هر دو قصیده آفرین میگوید» (شمیسا، ۱۳۷۴).

اما به هر حال باید پذیرفت که دوره بازگشت یکی از ادوار شعر فارسی است و نمیتوان در پژوهشهای ادبی آنرا نادیده گرفت. این مقاله به بررسی سبک شناسی غزلیات "مدهوش گلپایگانی"، یکی از شعرای ناشناخته این دوره میپردازد.

پیشینه پژوهش

غزلیات مدهوش گلپایگانی تاکنون تصحیح نشده است و بجز مقاله ای تحت عنوان «هنجارگریزی درغزلیات مدهوش گلپایگانی» به قلم همین نگارنده، پژوهش دیگری انجام نشده است و جای پژوهشی مستقل در این مورد خالی به نظر میرسد.

شیوه پژوهش

این پژوهش به شیوه کتابخانه ای انجام شده است و درانجام آن از نسخه خطی معتبر که به خط شاعر است، استفاده شده است.

بحث و بررسی

تصحیح نسخ خطی و معرفی شعرا و نویسندگان

معرفی نسخ خطی به عنوان گنجینه های ارزشمند علمی و فرهنگی همواره مورد توجه محققان بوده است. در بین این آثار دیوان شعرای ناشناخته یا کمتر شناخته شده ارزش ویژه ای دارد. آثاری که میتواند بیانگر ساختار ادبی، فرهنگی، اجتماعی و گاه سیاسی دوره ای خاص باشد و پژوهشگران حوزه ادبیات را در شناخت سیر تحولات ادبی، زبانی، فکری و یا معرفی جریانی خاص از شعر یک دوره، یاری رساند.

مدهوش گلپایگانی و آثار او

مدهوش گلپایگانی از ادیبان و خوشنویسان عصر قاجار بوده است. وی در دربار حاکم گلپایگان یعنی حیدرقلی میرزا، فرزند فتحعلی شاه، در سمت "ملا باشی" خدمت میکرده است و علاوه بر علوم ادبی و شعر فارسی، به ادبیات عربی نیز مسلط بوده است. کلیات مدهوش مجموعه کاملی از سروده های اوست که شامل: قصاید، غزلیات، مثنویات، رباعیات، قطعات و منشآت اوست. علاوه بر شعر آثاری در نثر نیز دارد که عمدتاً آموزنده و اخلاقیند. شاهزاده حیدرقلی میرزا

همچون پدرش فتحعلی شاه به شعر و ادب تمایل داشت و ضمن انجام کارهای سیاسی و اداره حکومت گلپایگان، در مجالس ادبی شرکت می‌کرده و خود نیز اشعاری سروده است. مدهوش در اشعارش بارها از این شاهزاده با عناوین مختلف نام برده و او را ستوده است، درباره زندگی مدهوش اطلاعات زیادی موجود نیست. بیشترین توضیح درباره او در تذکره "سفینه المحمود" آمده است: «اسمش محمد صادق، علما و عملاً معلم است. اصلش از شهر گلپایگان است... بهتر و مهتر موزنان و صاحب کمالان آن دیار است. بسیار صادق القول و صداقت اندیشه است. بعد از مشرف ساختن نواب حیدر قلی میرزای شاهزاده آن ملک را، از کیاست بسیار و تیزهوشی، این سخندان را در بر خود خواند و به منصب ملاباشیگری خود مزیتی بخشیدش. پس از کناره جویی از آن ملک، نواب معزی الیه از رسوم حقوق تفصی نجست، هم با جنابش به دارالخلافه شد، مجمل آدمی آدم‌وش است و در حضر هم با اخلاصی خوش. نظماً و نثراً با بهره زیاد در علم عربیت با حظ و نصیب در قلوب ناس محبوب.» (خیام پور، ۱۳۴۰)

از مدهوش گلپایگانی آثاری به جامانده است که مهمترین آنها عبارتند از:

- کلیات، شامل: قصاید، غزلیات، مثنویات، رباعیات، قطعات و منشآت.
- گنج البحر، شامل اشعار فارسی.
- فلک النجات در تاریخ معصومین.
- پندنامه یا مثنوی عرفانی.
- سرمشق جنون یا منشآت فارسی در مراسلات.
- سرالعزیز در اخلاق.

همچنین دیباجه چند کتاب، که از جمله مهمترین آنها میتوان به دیباجه کتاب "مراثی و نوحه ها" و دیباجه تذکره ای به نام "میزان الطبایع" اشاره کرد. در این واکاوی، غزلهای "مدهوش گلپایگانی" از منظر سبک‌شناسی در سه سطح آوایی، زبانی، و ادبی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

سطح آوایی

در بررسی غزلیات این دوره میتوان گفت نظیره سرایی بسامد بسیار بالایی دارد. از آنجا که تمرکز شاعران این دوره بر تتبع و تقلید از غزلسرایان نامی سبک عراقی بوده است؛ تمامی جنبه های غزل آنان، مضمون و محتوا، زبان و وزن را در سروده های خود مدنظر قرار داده اند. شمیسا درباره غزل این دوره میگوید: «کلا مبتنی بر تقلید از گذشتگان است از این رو معنی تازه ای ندارد اما در زبان گاه به علت عدم تسلط کافی، ریزه کاریها و دقایق آثار قدما دیده نمیشود، استعاره و تشبیه و مجاز تازه بسیار کم است، از این رو زبان محدود به قداماست» (شمیسا، ۱۳۷۴).

• موسیقی بیرونی (وزن)

بارزترین وجه موسیقی شعر، عروض یا موسیقی بیرونی آن است که منظور از آن موسیقی حاصل از وزن و نظم در یک شعر است. از جنبه های قابل توجه در غزلیات مدهوش، موسیقی بیرونی ابیات است. مدهوش گلپایگانی در مجموع غزلیاتش از ۱۲ بحر بهره گرفته است. در بررسی به عمل آمده درباره میزان استفاده شاعر از بحرهای عروضی نتایج زیر حاصل شد: رمل (۳۵٪) هزج (۲۳٪) مضارع (۱۲٪) مجتث (۳۰٪) رجز (۱۲٪) خفیف (۳٪) منسرح (۳٪) متقارب (۲٪)

در بین این بحر ها رمل، هزج، و مضارع دارای بسامد بالاتری هستند.

کاربرد اوزان و زحافات مختلف در وزنهای پربسامد مانع از تکرار و یکنواختی موسیقایی در غزلیات

او شده است. بررسی اوزان شعر او نشان میدهد سه وزن: «هزج مثنیٰ اخرب مکفوف» «رمل مثنیٰ مخبون محذوف» و «مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف» بیشترین کاربرد وزنی در غزلیات وی را دارد. این اوزان در شعر فارسی از پرکاربردترین اوزان میباشند.

(۱) اوزان جویباری و خیزابی: «اوزان جویباری از ترکیب نظام ایقایی خاصی حاصل میشود که با همه زلالی و زیبایی و مطبوع بودن، شوق به تکرار در ساختمان آنها احساس نمیشود و ساختار عروض افاعیل نیز در آنها به گونه ای است که رکنهای عروضی در آنها عیناً تکرار نمیشود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹)

غزلیات ملایم مدهوش نشانگر آرامش و لطافت احساسات اوست و سروده های حافظ و سعدی را تداعی میکند. به کارگیری مضامین غزلیات حافظ و سعدی نیز به این تداعی کمک میکند. مدهوش غزلیاتی با اوزان خیزابی نیز سروده است. شفیع کدکنی دربارهٔ وزنهای خیزابی و تند میگوید: «وزنهای تند و متحرکی که اغلب نظام ایقاعی افاعیل عروضی در آنها به گونه ای است که در مقاطع خاصی، نوعی نیاز به تکرار را در ذهن شنونده ایجاد میکند و غالباً از رکنهای سالم و یا سالم و مزاحفی تشکیل شده اند که حالت "ترجیح" و "دور" در آنها محسوس است». از مجموع غزلیات مدهوش تنها در ۲۷ غزل از اوزان خیزابی استفاده شده است؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۱ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

ای سر زلف تو کمند بلا در خم زلفت دل ما مبتلا

(۲) هماهنگی وزن و محتوا: هر وزنی دارای آهنگ و موسیقی خاصی است و انتخاب وزن متناسب با مضمون غزل در انتقال مقصود و احساس شاعر بسیار مؤثر است. به همین علت شاعر از میان وزنهای شعری وزنی را برمیگزیند که با محتوای سخنش هماهنگ باشد، اگرچه ممکن است این انتخاب همیشه آگاهانه نباشد و وزن و محتوا همزمان به شاعر الهام شود. ارسطو در این مورد چنین میگوید: «... در واقع همان طبیعت موضوع است که ما را به انتخاب وزنی مناسب هدایت میکند» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹)

بررسی غزلیات مدهوش نشان میدهد که شاعر به این تناسب توجه داشته و پیوند و تناسب وزن و محتوا را به خوبی رعایت کرده است.

آنچه در غزلیات مدهوش دیده میشود این است که در عمده غزلیاتش اوزان نرم و سنگین به کار برده است تا با مضامینی چون هجران، درد و رنج و حسرت و شکایت هماهنگ باشند. در معانی پرشور و حال ۱۴ غزل سروده است و ۳۸ غزل در اوزان دلنشین با مضامین عاشقانه دارد. در موارد ذکر شده هماهنگی وزن و محتوا کاملاً آشکار است و توجه شاعر به این امر را نشان میدهد؛ مانند بیت زیر از صفحه ۵۶ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

هر طرف عطریشان رایحهٔ ریحان است باغ شاداب و چمن خرم و گل خندان است

اما در بین غزلهای مدهوش مواردی نیز دیده میشود که از هماهنگی بالایی برخوردار نیست. این گونه غزلهای بسامد بالایی ندارند؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۵۶ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

دردا که به بالین نرسید آن مه و دائم آهی که کشیدم نفس بازپسین بود

(۳) اوزان دوری: کاربرد بالای اوزان دوری در اشعار یک شاعر نشان از غنای موسیقایی آن اشعار است. مدهوش نیز این امر را مورد توجه قرار داده و در تعدادی از غزلیاتش این گونه اوزان را به کار گرفته است. در کل غزلهای او ۱۹ مورد دارای اوزان دوری هستند که زیبایی خاصی به

موسیقی سروده‌های او داده است؛ مانند ابیات زیر به ترتیب از صفحات ۲۸۵ و ۱۱۳ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

در بر ارباب عشق ننگ بود نام نام
دل به نکویان مده یا مگریز از ملام
خرقه بیالا به ننگ یا که مبر نام عشق
حرف همین است و بس ختم سخن والسلام

گر نشناسد کسی دشمن مدهوش کیست
دوست بود دوستان دوست بود دوست

● موسیقی کناری

«منظور از موسیقی کناری عواملی است که در نظام موسیقایی شعر دارای تاثیر است ولی ظهور آن در سراسر بیت یا مصراع قابل مشاهده نیست، برعکس موسیقی بیرونی که تجلی آن در سراسر بیت و مصراع یکسان است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰)

آنچه در بررسی موسیقی کناری مورد توجه قرار میگیرد، ردیف و قافیه و نکات مربوط به آنهاست. غزلیات مدهوش هم از جهت ردیف و هم قافیه غنی هستند و موسیقی کناری در آنها به خوبی رعایت شده است. مقوله تکرار نیز بر زیبایی و غنای شعر او افزوده است. «تکرار کلمات در پایان مصراعها جنبه موسیقایی دارد و نه تنها مکمل موسیقی قافیه است بلکه با عنایت به اسم، فعل یا حرف بودن آن در تکمیل مفاهیم موجود در بیت مؤثر است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۰)

از مجموع غزلیات مدهوش (۸۱٪) غزل مردف هستند. از این تعداد (۴۵٪) دارای ردیف فعلی هستند و افعال تام نظیر: می‌رس، مباد، بردی، بگذرم، رفت و... (۴۳٪) از ردیفهای فعلی را در بر میگیرند و افعال ربطی نیز (۴۵٪). سایر ساختهای ردیف نیز ۲۲٪ را در بردارند. این ساختها عبارتند از: حرف، (بیشتر حرف٪ را) اسم (دوست بیشتر به کار رفته است و موارد دیگر مانند، جانان، یار، صنم، کفن، کبک، فلک و...) قید و صفت (امشب، دیگر، هنوز، کسی،...) ردیفهای گروهی و اسمی نیز در مواردی به کار رفته اند که تعداد آنها اندک است (آید همی، بهتر از این، چه شد، دارد دلم و...) تکرار ردیف نیز در کل غزلیات بسامد قابل توجهی دارد چنان که ۶۲ مورد از ردیف «است و نیست» استفاده شده است.

- قافیه: قافیه علاوه بر وزن بخشی به شعر و القای موسیقی شعر در ذهن، به انتقال احساس شاعر و نیز استحکام ابیات کمک میکند. از میان ۴۸۵ غزل مدهوش مواردی به تکرار قافیه بر میخوریم. قدما تکرار قافیه را از عیوب شعر میدانستند. مدهوش در انتخاب قافیه و ردیف دقت داشته است. بکارگیری الفاظ زیبا و موزون و پرمحتوا در قافیه نشان دهنده آگاهی از علوم مختلف زمان خود و نیز علوم ادبی میباشد. از امتیازات شعر او استفاده از قوافی متناسب، ساده و به دور از تکلف است. نتیجه بررسی قافیه در غزلیات او نشان میدهد که عیوب قافیه در شعر او زیاد نیست و در حد «ایطا و شایگان» است و این نشان دهنده توجه بالای شاعر به قافیه است. شاعر گاهی از جملات یا کلمات عربی به عنوان قافیه استفاده کرده است؛ مانند ابیات زیر از صفحه ۳۰۹ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

شهره شهر به تردامنی ام
چند پرسى به چه کارى مشغول
گرچه در آب بقا مغسولم
به بلای دل خود مشغولم

استفاده از افعال جعلی نیز در غزلیات مدهوش دیده میشود. تمام قوافی در دو غزل (۲۰۴ و ۲۰۵)

(از افعال جعلی هستند. (غروبید، چوبید، طوبید، جنوبید، سحابید، شرابید، کبابید، رکابید...؛ مانند ابیات زیر از صفحات ۲۰۵ و ۲۰۶ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

از بس که جمال یار خوبید	خورشید ز شرم او غروبید
تا اشک من از غمت شرابید	دل ز آتش هجر تو کبابید

● موسیقی درونی

(۱) قافیه میانی: در تعدادی از غزلیات مدهوش قافیه درونی دیده میشود. ولی گاهی به طور کامل در طول غزل به کار برده نشده است. از تأثیرات کاربرد قافیه میانی در شعر بالا بردن میزان آهنگ آن است و به ایجاد وزن در مصراع کمک میکند. همان طور که پیشتر ذکر شد بیشتر غزلهای مدهوش در اوزان جویباری سروده شده اند لذا از موسیقی درونی کمتر استفاده کرده و بسامد این کاربرد در غزلیاتش اندک است. (۱۰۵، ۳۱۱، ۶۱، ...).

- تکرار: تکرار کلمه در شعر میتواند بر زیبایی و جنبه موسیقایی شعر بیفزاید اگرچه کاربرد نابجای آن نیز ملال آور است. «تکرار در زیبایی شناسی هنر از مسائل اساسی است. صداهای غیر موسیقایی که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح میشود.» (شمیسا، ۱۳۸۳) تکرار در شعر مدهوش بسامد بالایی دارد؛ مانند ابیات زیر از صفحه ۱۸۲ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

صبر از جمال دوست میسر نمی شود	گر سر رود هوای وی از سر نمی شود
دل از ناز بتی باز ربوده که می پرس	ناز بر ناز به صد ناز فزوده که می پرس

- جناس: کاربرد وسیع جناس در شعر نشان دهنده توجه شاعر به زیبایی و آراستگی لفظی است و وسعت دامنه لغات را نیز بیان میکند. شعر مدهوش نیز از این آراستگی بهره مند است و کاربرد جناس موجب غنای موسیقایی غزلیات او شده است. (آواز، آوازه- ناف، نافه- سحاب، حساب- کمان، مکان- جان، جهان- کمان، کمین- سایه، همسایه- کشتی، کشتی...؛ مانند ابیات زیر که به ترتیب از صفحات ۱۰۰، ۱۹۸ و ۲۳۱ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی گزیده شده اند:

شکوه از یار دل آزار ندارم مدهوش	که مرا یار دل زار دل آزار خوش است
مشک را پایه شنیدیم به چین بالا رفت	بگشا چین سر زلف که ارزان باشد
پروانه را ز روی تو پروا نمی شود	دل پیش شمع روی تو پروانه میشود

- هم حروفی: این صنعت نیز که به آن نغمه حروف نیز گفته میشود در غزلیات مدهوش بسیار به کار رفته و موجب غنای آن گشته است؛ مانند ابیات زیر از صفحه ۱۴ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

کی قبول قدم دوست شود	به نثار این سر ناقابل ما
جز گل حسرت دیدار نگار	سر نزد هیچ گیاه از گل ما

- تضاد: در بیش از ۶۰ درصد غزلیات مدهوش تضاد به کار رفته است و بسامد به کار گیری آن بالاست؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۹۲ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

هرزمان زان لب شیرین چو مرا یاد آید	یادم از تلخی جان کندن فرهاد آید
------------------------------------	---------------------------------

۲) سطح واژه‌ها: بسامد واژه‌ها در هر اثر به شناخت سبک آن کمک میکند. بیان و اندیشه دو مقولۀ تفکیک‌ناپذیرند و آواها همواره بیانگر اندیشه‌ها هستند. در این واکاوی ۴۵ غزل انتخاب شدند و مورد ارزیابی قرار گرفتند.

- کلمات عربی: در غزل‌های منتخب حدود (۵۷۵) کلمۀ عربی یافت شد. اکثر این لغات در زبان فارسی رایج هستند. مانند (ساقی، عقل، فنا، نظر، حکایت، و...). این درصد نشان‌دهندۀ سادگی بیان مدهوش و پرهیز او از کاربرد کلمات نامأنوس عربی است. البته در برخی غزلیات، جملات و کلمات عربی ثقیل نیز به کار رفته است که تعداد آنها اندک است. نظیر: رحیل، حاشا و کلا، بؤاب، شارب در برخی ابیات نیز هیچ کلمۀ عربی به کار نرفته است؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۶۲ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

تنها مرا نه بادۀ گلرنگ خوش بود با یار و با نوای نی و چنگ خوش بود
بررسی بسامد کلمات در غزلیات مدهوش نشان میدهد برخی از آنها کاربرد بیشتری دارند این کلمات و اصطلاحات را به چند دسته یعنی «عرفانی و رندی» «مذهبی و اعتقادی» «نجوم و موسیقی» تقسیم کرده ایم.

- کلمات سمبلیک، عرفانی و رندی: در غزلیات مدهوش بسیاری از کلمات و اصطلاحات عرفانی و قلندری به کار گرفته شده اند. (۲۱٪) کلمات پرکاربرد عرفانی در شعر مدهوش به ترتیب عبارتند از: عشق، زهد، فنا، خرقه، توبه و...؛ مانند بیت زیر از صفحه ۳۲۳ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

چنان پرورده عشقم که در دنیا و در عقبی به غیر از عالم او عالم دیگر نمی دانم
از دیگر گروه‌های اصطلاحی پر کاربرد در غزل مدهوش میتوان به مفاهیم سمبلیک قلندری و رندی اشاره کرد که در اشعار حافظ فراوان دیده میشوند. این واژه‌ها به ترتیب بسامد عبارتند از: می، باده، جام، خرقه، زاهد، ساغر، و...؛ مانند ابیات زیر که به ترتیب از صفحات ۲۸۲، ۲۵۵ و ۳۳۳ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی گزیده شده اند:

در صومعه زاهد ریایی	در میکده رند باده نوشم
خرقۀ سالوس ندارد بها	در بر پشمینۀ پشمینه پوش
ما را به ریا و ورع و زهد چه کار است	ما رند خراباتی و پیمانه پرستیم

- کلمات و اصطلاحات مذهبی و اعتقادی: کلمات «دین، خدا، سجده، کفر، بهشت، حرم، ایمان، گناه» بسیار به کار برده شده اند (۱۱٪) به برخی اصطلاحات مربوط به ادیان دیگر نیز در اشاره شده است. نظیر «زنار، مسیحا، چلیپا، برهمن، ناقوس، ترسا، صومعه» (۳٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۲۴۷ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

مطربا از عراق دلتنگم ساز کن ساز در مقام حجیز

- اصطلاحات و کلمات مربوط به موسیقی: در ابیات منتخب، کاربرد این دسته از کلمات و اصطلاحات بسامد پایینی دارد. کلماتی چون: مطرب (۳بار)، چنگ (۲بار) و نی، دف، عراق، حجیز و حجاز (هر کدام یکبار).

- اصطلاحات و واژه‌های نجومی: این دسته از کلمات نیز در ابیات منتخب، بسامد پایینی دارد. کلماتی چون پروین (۲)، ثریا (۲)، جوزا (۱)، فرقدان (۱)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۲ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

شب فراق چو پروین چشم تر نگرد هزار طعنه زند فرقدان ثریا را

سطح نحوی

الف) کاربرد "را" در معنای حرف اضافه: (۲٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۷:

عالمی جمله غلام تو و من بنده آنکه غلام است تو را

ب) کاربرد الف اطلاق در آخر فعل: (کمتر از ۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۰۶:

گفتم که ندارم به نثار تو به از جان گفتا غضب آلوده که جان قابل من نیست

ج) "ب" در ابتدای فعل: (۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۲:

درمان غم عشق بگفتند ولیکن مردیم در این حسرت و جستیم دوا را

د) فعل دعایی: (کمتر از ۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۴۳:

از یک نظر ثواب و گناهم زیاده رفت خیرش مباد آنکه نظر را گناه کر

ه) کاربرد حرف ندا (۲٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۲:

ای نگهت آفت و بالا بلا زین دو جهان داده به باد فنا
بارزترین ویژگی نحوی در غزلیات مدهوش کاربرد "را" در معنای حرف اضافه است. همچنین کاربرد "ب" در آغاز افعال به دفعات تکرار شده است.

سطح ادبی

بررسی این جنبه از غزلیات مدهوش نشان میدهد که از شاعر از وسعت تخیل خوبی برخوردار بوده است و با استفاده از تکنیکها و فنون ادبی و بیانی، مضمونهای شعری را با ترکیب صور خیال بیان میکند و در بسیاری از موارد از کلمات و ترکیبها، معنای ظاهری آنها را اراده نمیکند.

• تصویر سازی

شعر در حقیقت نوعی تصویر آفرینی یا خلق صحنه های نمایشی است با استفاده از حروف و کلمات. شاعر گاه تابلویی بزرگ و کلی با ابعاد وسیع و گسترده به تصویر میکشد و گاه در جزیی از تصویر خیالی خود دقیق میشود و ظرایف آن را چنان بیان میکند که گویی واقعا آنچه میگوید را میبیند و مهمتر از آن چنان خلاقانه تصورات ذهنی خود را به تصویر میکشد که احساس مخاطب را آنگونه که میخواهد، برمی انگیزد. مدهوش نیز در این زمینه شاعری بهره مند است و مضامین زیبایی را آفریده است. در این تصاویر گاه از مفاهیم و اصطلاحات نجومی و موسیقی بهره گرفته است و گاه از عبارات علمی و فلسفی و عرفانی. گاه از اغراق استفاده کرده و گاه از تلمیح به اسطوره های ملی و مذهبی؛ مانند بیت زیر از صفحه ۵۰ نسخه خطی کلیات مدهوش گلپایگانی:

دیده باشی در سحر بر چرخ نقش داغ ها ز آن فروزم داغها بر دل مصور کرد و رفت

اما همچون دیگر شعرای دوره بازگشت به متقدمین بویژه حافظ و سعدی نظر دارد تا جایگاه در برخی از آفرینشهای تصویری خود عیناً مضامین شعری آنها را بیان نموده است؛ مانند بیت زیر از صفحه ۳:

سرو آزاد ار ببیند آن خرام دلپذیر بنده گردد در چمن آن قامت چالاک را

یادآور این دو بیت از سعدی است؛ مانند بیت زیر از غزل شماره ۱۷۳ کلیات مدهوش گلپایگانی:

تویی که گر بخرامد درخت قامت تو ز رشک سرو روان را به اهتزاز آرد
و نیز ابیات زیر که به ترتیب از غزل‌های شماره ۲۰۵ و ۳۱۰ کلیات مدهوش گلپایگانی گزیده شده‌اند:

به جای خشک بمانند سروهای چمن چو قامت تو بینند در خرامیدن
گل زحد برد تنعم نفسی رخ بنما سرو مینازد و خوش نیست، خدا را بخرام
و این بیت از حافظ:
(۱) شیوه زنده‌نمایی (جاندار پنداری): در بسیاری از توصیفات و تصویرسازیهای مدهوش اجسام بی‌جان و موجودات بی‌اراده به انسان مانند میشوند و رفتار انسانی دارند؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۸۱:

بوستان شرم‌نده از بالای آن سرو سهی گلستان در خجلت از آن گلبن نوخیز شد
(۲) مبالغه در تصویرسازی: گاه شاعر با نگاهی کمال‌گرایانه نهایت توصیف را برای ممدوح یا معشوق به کار برده است و با اغراق و بزرگنمایی آنرا به حد اعلا رسانده است؛ مانند ابیات زیر به ترتیب از صفحات ۲۲۷ و ۲۲۱ کلیات مدهوش گلپایگانی:

بسیار نیست کوه گران بردنم به دوش که البرز پیش بار غمت اندکی شود
از عقد اشک ماست به گوش تو گوشوار یا گرد ماه خوشه پروین نهاده ای

● بیان

مدهوش در بیان حالات شاعرانه و مضمون‌پردازی در بسامد بالایی از صور خیال بویژه تشبیه، استعاره و کنایه، استفاده کرده است.

(۱) تشبیه: انواع تشبیه در شعر مدهوش به کار رفته است و این تشبیهات گاه بر مبنای اطلاعات علمی ساخته شده‌اند اما آنچه قابل ذکر است این که وجه شبه‌های دور از ذهن زیاد به کار نبرده است و همین امر موجب سهولت در فهم شعر اوست. در پنجاه غزل بررسی شده بسامد انواع تشبیهات به شرح زیر است:
- محسوس به محسوس: (۶۴٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۴:

خال او مدهوش دیدم زیر زلف در شکنج دام دیدم دانه را
- محسوس به معقول: (۲۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۸۱:

قد خوبان رستخیز آمد ولی مدهوش را فتنه بالای تو بالای رستخیز شد
- معقول به محسوس: (۱۴٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۶۵:

کساد نیشکر اندیشه می‌رود مدهوش وگرنه شعر تو را تا به هند می‌بردند

- معقول به محسوس: (موردی یافت نشد)

تشبیهات محسوس به محسوس نسبت به انواع دیگر تشبیه در غزل او بالاتر است.

- تشبیه تفضیل؛ مانند بیت زیر از غزل شماره ۴۷۶:

به جان مثال لطافت زنند و در نظر من ز جان لطیف‌تر است این لطافتی که تو داری
(۲) استعاره: ذوق شاعرانه و قریحه هنری شاعر موجب به کارگیری استعاراتی بویژه در توصیف معشوق شده است. در این خصوص نیز تأثیر شعرای متقدم بر ذهن و زبان شاعر آشکار است. در کل میتوان گفت استعارات در شعر او بعید و دور از ذهن نیست و بر توصیفات و تشبیهات ساده

استوار است؛ مانند ابیات زیر به ترتیب از صفحات ۳۵۴ و ۱ کلیات مدهوش گلپایگانی:

آنکه چون گل ز غمت جامه دریده است منم وز گلستان تو یک غنچه نچیده است منم
دل به هر قامت زیبا ندهم مگر آن سرو سهی بالا را
(۳) کنایه: کنایه ها در شعر مدهوش بسیارند و بیشتر از اعتقادات عوام و اهالی حرفه و فنون گرفته شده اند. فهم اکثر کنایات به کار رفته در غزل مدهوش آسان است و دور از ذهن نیستند. آمار استفاده از کنایه در غزلیات نمونه حدود (۲۱٪) بود؛ مانند بیت زیر از صفحه ۳۱۹:

میوه برآرم ز هنر رنگ رنگ تیشه غم گر نبرد ریشه ام
تیشه به ریشه زدن: کنایه از نابود کردن
عشق پنهان نمی کنم مدهوش طشت افتاد از لب بامم

افتادن طشت از بام: کنایه از رسوایی در بیت بالا از صفحه ۳۲۰:

زاهد سالوس ما کز آب شب پرهیز داشت دوش در مسجد عجب مست از شرابش دیدمی

از آب شب پرهیز داشتن: کنایه از بسیار با تقوا بودن در بیت بالا از صفحه ۳۴۳:

● معانی

هجران و عدم کامیابی مضمون اصلی غزلیات مدهوش است. زیبایی، بی رحمی، بی وفایی، و غم فراق و شکوه از روزگار و مردمانش عمده مضامین به کار رفته در کل غزلیات اوست. در سه غزل نیز به مدح ممدوحان خود یعنی فتحعلی شاه و حیدر قلی میرزا حاکم گلپایگان پرداخته است. محور غزلیات او جملات خبری است که معانی ثانوی آنها رنج و ملال شاعر را بیان میکند. این گونه جملات بیشترین بسامد را دارند؛ مانند بیت زیر از صفحه ۸ کلیات مدهوش گلپایگانی:

در دل سخت تو تأثیری ندارد درد من می توانم کرد نرم از ناله سنگ خاره را

(۱) جملات امری: این جملات در معنی خواهش و تمنا و ترغیب معشوق به وصل و مهربانی به کار رفته اند و از جهت بسامد در رتبه دوم قرار دارند؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۲۳ کلیات مدهوش گلپایگانی:

مکن دریغ اگر در جفا گناهی نیست بکش به خونم اگر در وفا خطایی هست

(۲) جملات پرسشی: این گونه جملات کاربرد اندکی دارند و در بیان حالت طلب شفقت و بیان تضرع به معشوق به کار رفته اند؛ مانند بیت زیر از صفحه ۸ کلیات مدهوش گلپایگانی:

تابه کی در خون کشد چشمت دل صد پاره را چند خنجر می دهی بر دست این خونخواره را

● بدیع معنوی

(الف) تمثیل: در غزل مدهوش تمثیل زیاد به کار نرفته است (کمتر از ۱٪) و آنچه به کار رفته است عموماً ساده اند و به راحتی میتوان به مفهوم آن دست یافت؛ مانند ابیات زیر به ترتیب از صفحات ۱۷ و ۲۱۴ کلیات مدهوش گلپایگانی:

خود نقد جان از این تن لاغر چه میبری
غمی غیر از غم جانان مرا در دل نمی گنجد

سلطان کجا خراج ستاند خرابه را
اساساً غیر یک سلطان درین منزل نمی گنجد

(ب) تلمیح: کاربرد تلمیح در غزل مدهوش بسیار است و به کار گیری اسامی شخصیت‌های مذهبی، اساطیری و پهلوانی نشان دهندهٔ بالا بودن اطلاعات شاعر است و اینکه به این بزرگان و سرگذشت آنان اهمیت میداده است. در مجموع (۹٪) از غزلیات او تلمیح دارند و بسامد کاربرد شخصیت‌های عشقی (مجنون و لیلی و فرهاد و شیرین به ترتیب) بالاتر از دیگر موارد است؛ مانند ابیات زیر که به ترتیب از صفحات ۱۶۰، ۱۵۵ و ۳ کلیات مدهوش گلپایگانی نقل شده اند:

این دل مجنون ندانم تا کی از لیلی وشی
کی ز رستم میرسد بر دیدهٔ اسفندیار
خوش عجین از آب قدرت کرد مشتی خاک را

میل بر دشت جنون رو در بیابان میکند
آنچه بردل ها از آن برگشته مژگان می رسد
آفرین بادا ز جان جان آفرین پاک

(ج) اغراق: (۲/۴٪)؛ مانند ابیات زیر به ترتیب از صفحات ۲۷۷ و ۱۴۴ کلیات مدهوش گلپایگانی:

گردید ز آب و آتشم ویران زمین، سوزان فلک
گرچه گاهی ز غم عشق چو کوهی است ولی

آهم ز بس شد بر سما، اشکم ز بس شد بر سمک
عاشق آن نیست که صد کوه چو گاهی نبرد

(د) تناسب (۵/۷٪)؛ مانند ابیات زیر به ترتیب از صفحات ۲۵۹ و ۲۲۲ کلیات مدهوش گلپایگانی:

جز دل عاشق و نخچیر کمند خسرو
هر ورق مینگرم هست گلستان مدهوش

آن چه صید است که خوشدل بود از صیادش
راستی دفتر تو روضهٔ رضوان ماند

(ه) حسن تعلیل: (۱٪)؛ مانند ابیات زیر از صفحه ۲۷۶ کلیات مدهوش گلپایگانی:

این لاغری که هست چو نخ در وجود من
در میان حرف آن میان آمد

ز آن تاب زلف دان که کلاف پریشم است
ز آن میان گشت داستان نازک

سطح فکری

(الف) مضامین عاشقانه: در غزلیات مدهوش عشق مجازی مهمترین درونمایه است. تقریباً در تمام غزلیات او معشوق انسانی است او از معشوق جفاکار همواره گله مند است و عمرش را در فراق و انتظار وصل به سر برده است اما درد عشق را خوشایند میداند و برای تسکینش مرهمی نمیطلبد. از این که خود را سگ کوی یار بنامد ابایی ندارد و آنرا افتخار و اعتبار خویش میخواند. او همچنین از رقیبان که در راه وصل مانع تراشی میکنند نیز شاکست. شکایت از بی وفایی و ستمگری معشوق، بالاترین بسامد (۴۷٪) را در بین ویژگیهای شعر او دارد؛ مانند بیت زیر از صفحه ۴۵۹ کلیات مدهوش گلپایگانی:

بر آن سرم که سر و جان به پایت افشانم
اگر قبول تو افتد نثار مختصری

(۱) شکایت از معشوق:

- جور و جفا (۳۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۲۷۴ کلیات مدهوش گلپایگانی:

ستمگری که ندارد نظیر در آفاق
هزار جور فزون کرد و من همان مشتاق

- بی وفایی معشوق (۲۷٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۸۸ کلیات مدهوش گلپایگانی:

- در نزد نیکوان همه جنسی ز حسن هست غیر از وفا که جنس عديم الوجود شد
- بی‌قراری عاشق (۵٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۶۶ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- بی‌قرار است دل و در به درم خواهد کرد خرم آن دل که قرارش به سر کویی شد
- بد اخلاقی معشوق (۴٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۲۳۷ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- هرچند نار گشت به قربان طبع دوست هرچند آتش است به قربان خوی یار
- عهد شکنی معشوق (۵٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۷۷ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- به حسن عهد قدیمت که با شکستن عهدت هنوز در نظرم هست حسن عهد قدیمت
- افسوس و یاس عاشق؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۴ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- عمر بگذشت و ندیدیم تو را آه از این کوشش بی‌حاصل ما
- ستمگری معشوق؛ مانند بیت زیر از صفحه ۲۸۴ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- خوی تو بر جان ما آیت عظم رمیم بوی تو بر خاک ما معنی یحی العظام
- جنگجویی معشوق (۴٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۲۳۴ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- تا خون من ریزد چرا آن شوخ از تیغ جفا بالله نکردم جز وفا مدهوش تقصیر دگر
- غم و اندوه در فراق یار (۱۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۶۶ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- مرا تحمل بار فراق یار بکشت وگرنه بار جفای سپهر چندان نیست
- توصیف جمال معشوق (۱۶٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۴۰ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- حیران نکته دانی آنم که کرده است دیباچه جمال تو سرمشق صد ادیب
- ناز و نیاز (۱۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۷ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- ما و سر نیاز که داند که در ازل بر نیکوان غرور و به عشاق لابه را
- تواضع عاشق (کمتر از ۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۲۳۶ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- خوانندی سگ آستانم ای دوست دادی به من اعتبار دیگر
- خودستایی و مفاخره (کمتر از ۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۷۸ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- گوهر بحر دانشم مدهوش قیمتم روی زمانه شکست
- غزل مدحی (کمتر از ۱٪)؛ مدهوش در پنج غزل حاکم گلپایگان (حیدر قلی میرزا) را با تخلص شعری او (خاور) ستوده است، همچنین در دو غزل از فتحعلی شاه نام برده و او را مدح گفته است؛ مانند ابیات زیر به ترتیب از صفحات ۳۰۳ و ۳۳۲ کلیات مدهوش گلپایگانی:
- داور دهر خاور آنکه سپهر گوید از خدمتش سرافرازم
- فخرالخلافه فتحعلی شه که با کفش گوید محیط در خوی خجالت شناورم
- (۲) مضامین عارفانه (۲۰٪): مدهوش اگر چه در اشعارش از تعبیرات و اصطلاحات عارفانه استفاده کرده است اما معشوق خود را زمینی توصیف کرده است و در حقیقت غزل او عاشقانه است نه عارفانه. از طرفی وازگان رندی و تعابیر قلندری در شعر او بسامد نسبتاً بالایی دارد و میل به ملامت طلبی در شعر او آشکار است. در ابیات متعددی شیخ و زاهدو پارسایان را سرزنش میکند

و عشق را تنها مذهب خود میداند.

- قلندری (۱۵٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۸۷ کلیات مدهوش گلپایگانی:

یار در دیر و ملامتهای غیرم میکشد زین بترای دوستان دوری ز دیرم میکشد

- تظاهر به باده نوشی (۳٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۳۲۰ کلیات مدهوش گلپایگانی:

کس چو من نیست صوفی صافی تا به میخانه درد آشام

- عشق حقیقی: (۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۳۱۴ کلیات مدهوش گلپایگانی:

چون فنا عین بقا شد مدهوش نیستی باید تا هست شوم

- تظاهر به کفر (۱/۵٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۹۰ کلیات مدهوش گلپایگانی:

سر و کار مدهوش با کافری است که بر باد از زلفش اسلام رفت

(۳) مضامین اخلاقی و اجتماعی (۶٪): مضامین اجتماعی و اخلاقی بسامد پایینی در شعر مدهوش دارد. برخی مفاهیم که بیشتر به آنها اشاره شده است عبارتند از:

- صبر؛ مانند بیت زیر از صفحه ۵۴۳:

مرا به صبر حوالت کنی و میدانی بود محال که عاشق کند شکیبایی

- قناعت؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۵:

مدهوش من و ابلق دیهم قناعت تا شاه شمارند من بی سر و پا را

- پند و اندرز؛ مانند بیت زیر از صفحه ۲۴۲:

مدهوش به هم صحبتی اهل هنر کوش کز عمر نباشد به از این حاصل دیگر

(۴) مضامین فلسفی و کلامی (۱٪): مضامینی شبیه به اندیشه های خیامی در غزل مدهوش دیده میشوند و نیز اصطلاحاتی مانند: ازل، ابد، الست، عدم، قدیم و غیره.

- گذر عمر؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۵۷:

زمانی داشتم عمرو ولی مدهوش اندر کف کجا باز آیدم آن دل کجا آن عمر برگردد

- باده نوشی (۲۰/۲٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۲۸۲:

ننوشم و مینوشم و پروای کسم نیست عالم همه دانند که من باده پرستم

- ملامت طلبی (۲٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۲۲۸:

چون راحت من است، چرا بیشتر مباد؟ جور تو و ملامت خلق و بلای عشق

- تقابل عقل و عشق (۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۴۶:

عقل در دایره عشق کجا یابد راه که اندرین حلقه کسی راه به هشیار نداد

- قضا و قدر (کمتر از ۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۲۱۵:

گر مقدر بودت عشق به تدبیر مکوش هیچکس چاره تقدیر به تدبیر نکرد

- ترک علایق: (کمتر از ۱٪)؛ مانند بیت زیر از صفحه ۱۱:

تا نبری زنگ علایق ز دل آئینه عشق نگیرد جلا

نتیجه گیری

مدهوش گلپایگانی از شعرای گمنام دوره بازگشت است. در سرایش غزل توانمندی خود را به اثبات رسانده است و تسلط او بر صناعات ادبی و ظرافتهای شعری و هنری آشکار است. او همچون دیگر شعرای همعصرش به تقلید از متقدمان پرداخته است و در انتخاب مضامین و قافیه و ردیف به شعر آنها نظر داشته است. انتخاب وزن در اشعار او متناسب با موضوع است. ردیفهای فعلی که گاه پرسشی نیز هستند به غنای شعر او افزوده است. سلیس و روان بودن ابیات، سهولت در انتقال مفاهیم و بهره گیری از قوافی مناسب از شاخصه های شعر اوست. در کل غزلیاتش بحر رمل، هزج، و مضارع بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده اند. از جنبه ادبی، غزل او بیشتر بر تشبیه استوار است و از استعاره و تلمیح و اغراق نیز به حد قابل توجهی بهره گرفته است. از لحاظ فکری نیز درون مایه اصلی غزل او عشق است و معشوق او زمینی است. از این جنبه حرف تازه ای ندارد و عموماً مضامین گذشتگان را تکرار کرده است. در غزلیات او به تعبیرات اخلاقی، فلسفی، عرفانی، نیز اشاراتی شده است و توجه به اندیشه خیامی نیز در محتوای غزل او دیده میشود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد استخراج شده است. جناب دکتر چترایی راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده اند. خانم منصورپور به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته اند. جناب دکتر رادمنش نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده ها و راهنمایی های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای این مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ahmad Nejad, K., (1993). Literary Techniques. Tehran: Paya.
 Arianpour, Y., (1990). From Saba to Nima. Tehran: Zavvar. p. 19.
 Dadbeh, A., (2002). Encyclopaedia Islamica. Vol. 11. Tehran: Center for the

- Great Islamic Encyclopedia.
- Ebadian, M., (2005). Development of Lyric Poems and the Role of Saadi. Tehran: Akhtar.
- Golpaygani, M.S., (1831). Manuscript of the Collection of Poems. Num. 2546. Tabriz: National Library.
- Hamidi, M., (1985). Poetry in the Qajar Era. Tehran: Ganje Ketab.
- Kazazi, J., (1993). Rhetoric; Aesthetics of Persian Speech. Tehran: Markaz.
- Khayampour, A., (1961). Farhang Sokhanvaran. Tabriz: Azerbaijan Book Printing Company. p. 312.
- Motamen, Z., (1976). The Evolution of Persian Poetry. Tehran: Tahouri.
- Nasher, A., (1961). Dorar al-Adab from the Perspective of Semantics and Rhetoric. Shiraz: Book Printing Company.
- Sabur, D., (1991). Horizons of Persian Lyric Poetry. Tehran: Goftar.
- Sadeghian, M.A., (2003). Criteria of Speech in Semantics and Rhetoric. Yazd: Rayhanato-Rasul.
- Servatian, B., (2004). Rhetorical Arts for Creating Imagination. Tehran: Amir Kabir.
- Shafie Kadkani, M.R., (2000). Music of Poem. Tehran: Agah. p. 395.
- Shafie Kadkani, M.R., (2001). Persian Poetry Periods. Tehran: Sokhan. pp. 20, 391.
- Shamisa, S., (1995). Rhetoric. Tehran: Ferdows.
- Shamisa, S., (1995). Basics of Style. Tehran: Ferdows. pp. 186, 333.
- Shamisa, S., (2004). A fresh look at the Rhetoric. Tehran: Ferdows. p. 89.
- Shamisa, S., (2007). The Development of Lyric Poetry in Persian Poetry. Tehran: Ferdows.
- Tajlil, J., (1991). Rhetoric. Tehran: University Publication Center.
- Tajrobekar, N., (1971). Poetry Style in the Qajar Era. Tehran: Mehr.
- Vahidian Kamyar, T., (2000). Rhetoric from an Aesthetic Point of View. Tehran: Dustan. p. 61.
- Zolfaghari, M., (2001). Lexicon of Poetry Music. Tehran: Nojaba. p. 113.

فهرست منابع فارسی

- آرین پور، یحیی، (۱۳۷۹). از صبا تا نیما. تهران: زوآر. ص ۱۹.
- احمد نژاد، کامل، (۱۳۷۲). فنون ادبی. تهران: انتشارات پایا.
- تجربه کار، نصرت، (۱۳۵۰). سبک شعر در عصر قاجاریه. تهران: مهر.
- تجلیل، جلیل، (۱۳۷۰). معانی و بیان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ثروتیان، بهروز، (۱۳۸۳). فن بیان در آفرینش خیال. تهران: امیرکبیر.
- حمیدی، مهدی، (۱۳۶۴). شعر در عصر قاجار. تهران: گنج کتاب.
- خیام پور، عبدالرسول، (۱۳۴۰). فرهنگ سخنوران. تبریز: شرکت چاپ کتاب آذربایجان. ص ۳۱۲.
- دادبه، اصغر، (۱۳۸۱). دایره المعارف بزرگ اسلامی: ذیل واژه بازگشت ادبی. جلد ۱۱. تهران:

مرکز دایره المعارف.

- ذوالفقاری، محسن، (۱۳۸۰). فرهنگ موسیقی شعر. تهران: نجبا. ص ۱۱۳.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۷۹). موسیقی شعر. تهران: آگاه. ص ۳۹۵.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی. تهران: انتشارات سخن. ص ۲۰ و ۳۹۱.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴). بیان و معانی. تهران: انتشارات فردوس.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴). کلیات سبک شناسی. تهران: انتشارات فردوس. صص ۱۸۶ و ۳۳۳.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳). نگاهی تازه به بدیع. تهران: فردوس. ص ۸۹.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶). سیر غزل در شعر فارسی. تهران: فردوس.
- صادقیان، محمد علی، (۱۳۸۲). طراز سخن در معانی و بیان. یزد: ریحانهالرسول.
- صبور، داریوش، (۱۳۷۰). آفاق غزل فارسی. تهران: نشر گفتار.
- عبادیان، محمود، (۱۳۸۴). تکوین غزل و نقش سعدی. تهران: اختر.
- کزازی، میرجلال الدین، (۱۳۷۲). بیان: زیباشناسی سخن پارسی. تهران: نشر مرکز.
- گلپایگانی، محمد صادق، (۱۳۴۷ق). نسخه خطی کلیات. شماره ۲۵۴۶. تبریز: کتابخانه ملی.
- مؤتمن، زین العابدین، (۱۳۵۵). تحول شعر فارسی. تهران: طهوری.
- ناشر، عبدالحسین، (۱۳۴۰). دررالادب در فن معانی، بیان و بدیع. شیراز: شرکت طبع کتاب.
- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۷۹). بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی. تهران: دوستان. ص ۶۱.

معرفی نویسندگان

نوشین منصورپور: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

(Email: nomansoorpoor@yahoo.com)

مهرداد چترایی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: M_chatraei@yahoo.com)

عطا محمد رادمنش: استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

(Email: ata.radmanesh@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Mansouri, N. & Chatraei, M. & A.M. Radmanesh, (2020). Stylistic of Madhoosh Gol-payegani's Sonnets. Journal of the stylistic of Persian poem and prose 13(49): 141-157.

DOI: [10.22034/JSPPP.2020.03.09](https://doi.org/10.22034/JSPPP.2020.03.09)

url: <https://www.bahareadab.com/pdf/931.pdf>